

شهر مصیبت زده

فادیه خانه ما را که از ایران آید
 دو آنها یک کف مشغول بودند فراوانی
 حفاظت میکردند. در روزی این مویست
 هنرات مرز و راه چیده شده بود
 فقط برای آقایان نظامیان است
 مردم دیدم یک کابل آلبانی سفید در
 وسط میخانه بود. نامم که شوروی به لغت
 شایبان میبویشد کلاس خود را نماند
 کرد و فریاد کشید: سلامتی اسعاف
 فراسه

فراسه خاها گنجه اشیر و در بالا
 و این میرفته است آنها که خلی باقی
 فرار از شهر و از بیکرانه متلبا که
 میخواستند با ما باشند. آلبانیا
 جای از پاریس مردم خالی تر میشدند
 از دور دیوار امنی که مجازات
 آنها اتمام بود میانه. یکی را دور
 های آگاس و گوش داده بودید که
 تعریف کرده بود که انگلیسها بران
 را بشارت کرده اند اسمی برادرانه
 اش را که میخواستند تعریف آون
 فرار کند فدا داده بود. چهایی...
 آغمر زیاد است که جا برای شارش
 آنها کم خواهد آمد. میکشند برای
 اینکه باید کشند. زنده میکشند از همین
 کار تشکیک شده. رون فسی پاریس
 از هفتاد استاد زبان، کورکانت و
 شاهزادگان پروده آون در نام
 فقط در ناخواهالی چیده بودند که
 روی آنها یک سر سار آلبانی که چه
 شیر خوار و او در جل داشت متوش
 بود. در این ناخواهالی با یلعدر
 اعمالی. سوری سار آلبانی میگردست

کنکله اهرامی فرماندهی بیرونی و شبیه
 ساحه و روزی ناید کردید
 چهره کالیپین - سراف نظار
 خبرگزاری شوروی خبرنگار روزنامه
 پرورا در چه کالیپین چمن بیرونی
 آلبانیا و همه های امتیاض چندی
 وارد میمانت برود کرده اند که
 بیرو های شوروی در مقابل مهاجین
 خوبی پایداری میکنند و اگر چه همه
 دشمن را با هزاره زیاد میباشند با این حال
 دورهای شوروی مواضع خود را محکم

چپه دن هر کرد هم نخواهد شکست از یک گروهان آلمان بکفر عاهد است

میدان عملیات خبرنگار روزنامه
 پرورا در چمن گزارش میدهد بیروز
 در پاریسی روزی در کلاس رودی که
 آلبانیا ازش چهارم در پیش بود او
 چهارم نیروهای موتور برده سواران
 آجا سار کز داده اند یکباره سار
 شصده ادامه یافت دشمن با وجود داشت
 سوار زیاد خود میخواست میکشند
 و اسده ناز، ناک و پیاده نظام جان
 سوری روزنامه انگلر دماند نامه داده

دن ژوان گرج

من ناچارم دن ژوان را با آنها معرفی کردیم. بعد با هم رفتیم مراعات دور
 میر شنیدیم. حسن و حاجت صاهرا از این مسافرت راسی و خوشبو و معطر
 روی فرش حسن مرده و رنگت ما ما صاف با خود سپیدی بود. همین
 پس را سی برای شما بگویم. در پاریس دارم مثل سبی که با من خدمت کرده
 باشن اما از او فیکه در گرفت از چشم اعدا ای سونم چه آبی رو گرفته
 من با لاف مرده میجور شده خون ام را جدا میکنم مصیبت و اطلاق حوسونم در
 فوس دارم در قرون یکجور اسلاق خوبا

گیلاسهای سودانی و سیلان حاتم شده کردیم. دن ژوان باشد
 رفت از اطاق خودش یک گرامامون با بده صمعه آورد و شروع کرد که صمعه
 زن. بعد بدون مقدمه خام او بر من دهرت کرد. - بکنار - بعد از
 من مقنت کنگامهای شراب را حسن و دم که در فاس فروجه میرفت و ضاهرا بروی
 سار کش سی آورد
 مد ازانار. تصمصم گرفتیم که بروم فدوی هواوری بکنیم از اعدا
 چالوس اگر در کش گمان رواه شدیم. در راه. دن ژوان آهسته من گفت
 داشت هم میوم. - بعد مثل اینکه چپالاست خام را میباشند.
 با او گرم صحبت شد. از همه چیز از همه جا اطلاع داشت و سخات های چلی

با یکا و هوا بسیار و پاره تمام با فر
 جان در مقابل شتر نشن بازاری
 منگنه. روز پیش از آن واحد های
 زوروش ما آنها پاران مواضع مناسی
 که در دست داشتند بر روی راه و در
 این غلط بیکرانی سار شده بود
 در گرفت دشمن ما کور کرده
 و با اعدا منهد آشته بود. هر چه
 رفت حمله هر فانی شده او با شتر
 ناکهای شوروی جنگی کور کند
 (روز نشن) در سار حوسه گرومان
 سوه هکت است و در شتر کور
 غلط مولور بر دشمن گامزور شات
 سوری بر خود آمده آنها را من فاقه
 است من تنها با یک صاعده گرومان
 خودمان هستم.

چند ساعت است که تمام فرق
 گروهان ما را در مانده آن سوات
 یک (مور) پاره ناکها و پاره تمام
 شوروی کشته شده دشمن مندرین
 هکت و چون این کور زوروش
 از خطر جان جان باقی نمانده
 با به اوضاع سار فدوی کور کند
 دشمن بودن اعدا که گرومان شوروی
 این صاعده ناک و وحش فرار از
 و سار خود و اعدا را اسعه اعدا
 در برانگی روزی در سار ناکه او
 در این حمله ردهای سار شوروی
 حمله دارد و اوضاع بر اندازده بود
 صاعده شوروی شوروی در این
 بر آمدگی و هر توده ناکهای کور
 داشت از پاریس دشمن در گرومان
 کانه و اعدا را که دور زوروش
 خوی و اعدا کور
 منگنه حرسار غلط روزانه
 این چمن سوه

چند ساعت است که تمام فرق
 گروهان ما را در مانده آن سوات
 یک (مور) پاره ناکها و پاره تمام
 شوروی کشته شده دشمن مندرین
 هکت و چون این کور زوروش
 از خطر جان جان باقی نمانده
 با به اوضاع سار فدوی کور کند
 دشمن بودن اعدا که گرومان شوروی
 این صاعده ناک و وحش فرار از
 و سار خود و اعدا را اسعه اعدا
 در برانگی روزی در سار ناکه او
 در این حمله ردهای سار شوروی
 حمله دارد و اوضاع بر اندازده بود
 صاعده شوروی شوروی در این
 بر آمدگی و هر توده ناکهای کور
 داشت از پاریس دشمن در گرومان
 کانه و اعدا را که دور زوروش
 خوی و اعدا کور
 منگنه حرسار غلط روزانه
 این چمن سوه

بیرونی شوروی در ناحه اولش
 رفته اند و این سواران که آلبانیا
 اعدا دارد و در حلقه درونی ازش
 رفت بیرونی شرح بگویم کشته
 و کانه شوروی بیرونی حرسار
 مارشال و نیکوشکای بیرونی کنگره
 یا منظور دیگری دارد
 ممکن است همه بیرونی شوروی
 در چپه اول از این بیرونی باشد
 از فشار دشمن در منصف جوسی
 کانه شود
 در اعدا بیرونی بکفر عاهد است

رای خاص من میکرد. نظری که فرصت سعاد که ما در هر هم اظهار
 عالی بکنیم
 حسن مثل اینکه صمیمی هوزی گردن. زدن کتور حاتم که چندی بکنیم
 ولی خام بود نشوره و گنت. دست روزی یکبار. این کتوری لاسن چپه
 حسن حرامش خوش را کور کشند. دن ژوان بالونی خودش را در آرزوی
 دش من تمام اساعت من برده آبا شدیم. دن ژوان. روزخانه گل آلود
 کتور حاتم و زدن عالی که از دور مثل چوب جاور از زمین فر آمده بود. نشان
 میداد و می گمت. چقدر خوب آدم چند آید دور حاتم و رنگی که. ان هوا
 این در دهم. این اعدا که برای ما مانده بگر خود. مرده. شب مهتاب آدم
 در کتور و در دهم. بکرامون هم داشته باش. حاتم شد که دورین منگنه
 رو جا گشتیم
 از آلبانی های زدن در اعدا عالی کس و آهسته و آهسته بودند
 و چه ما با اعدا در سار کتور آمده و شده بودند. حاتم اظهار خشکی کرد
 دن ژوان کتور و در اعدا معنی را نشان داد. رفت روی سکا ششم. آب
 کز آلود روزنامه بکرده بود. و جبروار موج میزد و کلاهی و انگوش
 میرده. جلو ضرمان را زایه عالی حاکی و بکرشته کور سرما زده گرفته بود.
 هوا سبکتر شده بود. دن ژوان لاسن را در آورده و در تمام حاتم که آجا
 نشسته بودم. از دستوفه خودش و مظهر کس و عشق و ناموس رویش فدوی
 صحت میکرد و حاتم اعدا را در حرف های صحت با یک غر از کوش میدان
 حرف های بوج اسعه. متلاصمک. یک شنوان از این چمن داشتند. صفت

اروپا در شبح

فصل نهم

باز سبیل لژیون از ابرو تا لب

مخاش و شرح و اوضاع صبه شوروی
 انحصار داده بود و در باز نشسته حبل
 و نقل شرمی مسوط میگرد
 اولیا شوروی پیش از آن
 غنه بر اعدا نشان میدادند و آن
 ساخته اند و در برخی مواضع
 همین از اساعده و میساکت پشت سر
 چه از آن بود که در موقع قضی
 باواند آنها را سهولت حاصل
 هر سته
 تار این پیشرفت بیرونی آلمانی
 و آن آغ چنان حائل اعدا نیست
 با این مقابلهت جاگست
 میوه تن هر که دفعه خود
 شکست بردهای شوروی پس از آن
 آوردن لغات سوار شکن در دشمن
 غل شلی اعدا کرده اند و همین
 شوروی علاوه حالت از این است
 حمله فراتر مواج جنگی دشمن را
 این برود
 حمله دشمنان در این چمن
 حمله اعدا قطع ۳۰۰ متر
 باقی است که در این چمن
 در صحنه حمله بر اعدا و در این حالت
 اعدا برای حمله اسعه شوروی
 شوروی و در اعدا مواضع بر اعدا
 صاعده آلمانی کله سار
 آلوده حبل آید و هر کتور که دشمن
 حمله اعدا شوروی کشته اند
 اکنون حبل آید
 منگنه - اعلام بکنای اعدا
 اعلامات دولت شوروی که در
 بعضی اوقات میباشند
 روز اول حمله و چند ساعت
 مواضع اعدا در مقابل دست
 ایش ناک و در اعدا مواضع
 آلمان جنگی آلمان را زده کرده
 و اعدا برای اعدا آهسته و آهسته
 کتور حاتم و در کتور
 گنه دشمن و این قوت سوه اعدا
 نامه روزی هزاره باشن با حاتم
 است اعدا دارد و اوضاع همچنان
 و شب اعدا
 در نامه میباشند گرومان
 ما بیرونی دشمن که از لحاظ
 بیرونی دارد بر دشمنی اعدا
 است بیرونی از اعدا دیگر بیرونی
 عالی ما که در حمله دشمن اعدا
 در اعدا حمله اعدا
 کتور حاتم و در کتور
 دشمن بیرونی اعدا حاتم
 اعدا داشته اند. بیرونی حاتم
 اعدا بیرونی حاتم
 یون غلط شرمی سوه و اعدا
 دفاعی استراحت اعدا
 حاتم بیرونی اعدا
 حاتم کتور حاتم و در کتور
 مقدمه دفاعی حاتم اعدا حاتم
 منصفان گشته اند بیرونی
 رنگ کرد پس شلیک حاتم
 سوه و اعدا از آن را گشته
 سب اعدای ما یک فروگاه دشمن
 ساره رده و از یک ساعت هوا بیانی
 آبار و اعدا گردان

مخاش و شرح و اوضاع صبه شوروی
 انحصار داده بود و در باز نشسته حبل
 و نقل شرمی مسوط میگرد
 اولیا شوروی پیش از آن
 غنه بر اعدا نشان میدادند و آن
 ساخته اند و در برخی مواضع
 همین از اساعده و میساکت پشت سر
 چه از آن بود که در موقع قضی
 باواند آنها را سهولت حاصل
 هر سته
 تار این پیشرفت بیرونی آلمانی
 و آن آغ چنان حائل اعدا نیست
 با این مقابلهت جاگست
 میوه تن هر که دفعه خود
 شکست بردهای شوروی پس از آن
 آوردن لغات سوار شکن در دشمن
 غل شلی اعدا کرده اند و همین
 شوروی علاوه حالت از این است
 حمله فراتر مواج جنگی دشمن را
 این برود
 حمله دشمنان در این چمن
 حمله اعدا قطع ۳۰۰ متر
 باقی است که در این چمن
 در صحنه حمله بر اعدا و در این حالت
 اعدا برای حمله اسعه شوروی
 شوروی و در اعدا مواضع بر اعدا
 صاعده آلمانی کله سار
 آلوده حبل آید و هر کتور که دشمن
 حمله اعدا شوروی کشته اند
 اکنون حبل آید
 منگنه - اعلام بکنای اعدا
 اعلامات دولت شوروی که در
 بعضی اوقات میباشند
 روز اول حمله و چند ساعت
 مواضع اعدا در مقابل دست
 ایش ناک و در اعدا مواضع
 آلمان جنگی آلمان را زده کرده
 و اعدا برای اعدا آهسته و آهسته
 کتور حاتم و در کتور
 گنه دشمن و این قوت سوه اعدا
 نامه روزی هزاره باشن با حاتم
 است اعدا دارد و اوضاع همچنان
 و شب اعدا
 در نامه میباشند گرومان
 ما بیرونی دشمن که از لحاظ
 بیرونی دارد بر دشمنی اعدا
 است بیرونی از اعدا دیگر بیرونی
 عالی ما که در حمله دشمن اعدا
 در اعدا حمله اعدا
 کتور حاتم و در کتور
 دشمن بیرونی اعدا حاتم
 مقدمه دفاعی حاتم اعدا حاتم
 منصفان گشته اند بیرونی
 رنگ کرد پس شلیک حاتم
 سوه و اعدا از آن را گشته
 سب اعدای ما یک فروگاه دشمن
 ساره رده و از یک ساعت هوا بیانی
 آبار و اعدا گردان

مش رفته باشی از راه سوار هوا سبب شدم و عالی که حواسم باقی بود
 گرفت بود زمین حوسوم در اوج بازه شد. ان فلان و اولش ۱۵
 بود و حوسوم در اوج بود. در شکه سوار شده و زمین بر ضحوت
 امریکایی باش ما کتور اون گت
 حاتم بعد زحمر کرده. اگر کتور از اوج صرت دیده بود چنان
 به روز حواسم خوب شدم. اما اون بالا شوروی حوسوم ها آقدر فشک
 بود. حوسوم حوسوم از اون بالا هم گنه صمعه میباشند چما بود
 آعدا دور شده بودن. اما عالی که هوا بی با این میدان. آدم فل هری
 نو میرده
 بالا هم. عد ارفع خشکی شده شدم و نظرف کرج بر کشتم حسن
 و دن ژوان که سر ارفع کشیدن و اعدا. بر یک فدوی حوسوم میرده. حاتم
 برافه باشه کشیدن و اعدا. حاتم بکرده
 این کتور دو هفته پیش از نا حرم بود. دن ژوان که حاضر
 دست بود. بارک شده است باشه کشن را در دست کرده. حوسوم که حاتم
 دستش بود سکا بکرده بود
 حسن من ملحق شد و در خلاف آنچه که در کاس من اظهار کرده بود
 گت. ایام برای من من نبود. با به دلش بکنم. من تمام کتور
 حوسوم بکنم. حوسوم که در نیت هیچ معواد آرامم است. جای آراد
 در کتور که وارد نیت شده. چه نظری من اگر اعدا
 و مصلحت خود جبر دور میبازد بکرده بود

مش رفته باشی از راه سوار هوا سبب شدم و عالی که حواسم باقی بود
 گرفت بود زمین حوسوم در اوج بازه شد. ان فلان و اولش ۱۵
 بود و حوسوم در اوج بود. در شکه سوار شده و زمین بر ضحوت
 امریکایی باش ما کتور اون گت
 حاتم بعد زحمر کرده. اگر کتور از اوج صرت دیده بود چنان
 به روز حواسم خوب شدم. اما اون بالا شوروی حوسوم ها آقدر فشک
 بود. حوسوم حوسوم از اون بالا هم گنه صمعه میباشند چما بود
 آعدا دور شده بودن. اما عالی که هوا بی با این میدان. آدم فل هری
 نو میرده
 بالا هم. عد ارفع خشکی شده شدم و نظرف کرج بر کشتم حسن
 و دن ژوان که سر ارفع کشیدن و اعدا. بر یک فدوی حوسوم میرده. حاتم
 برافه باشه کشیدن و اعدا. حاتم بکرده
 این کتور دو هفته پیش از نا حرم بود. دن ژوان که حاضر
 دست بود. بارک شده است باشه کشن را در دست کرده. حوسوم که حاتم
 دستش بود سکا بکرده بود
 حسن من ملحق شد و در خلاف آنچه که در کاس من اظهار کرده بود
 گت. ایام برای من من نبود. با به دلش بکنم. من تمام کتور
 حوسوم بکنم. حوسوم که در نیت هیچ معواد آرامم است. جای آراد
 در کتور که وارد نیت شده. چه نظری من اگر اعدا
 و مصلحت خود جبر دور میبازد بکرده بود

خبرهای کشور

قطع نامه و کلا

بطوریکه اطلاع پیدا کرده ایم مظهر آهه از کلا مجلس باغ بر مهران بر قطع نامه داری به پیشنهاد عدم انعقاد نسبت بکتابه باغسازمانده اند و ممکن است در جلسه فردای مجلس شورای عالی مطرح شود.

مستشار امین کاتانی وزارت جنگ بطوریکه اطلاع حاصل کرده ام برای غیر و تنظیم سازمان وزارت جنگ دولت یکی از افسران امریکایی را بدون مستشاری امور وزارت جنگ استخدام نموده و چند روزیست افسر مزدبدر شروع تکمیل کرده و قریباً از امر و پیمان اسنادی مستشار موزر و سایر مستشاران وزارتخانهها و ادارات دیگر مشغول به کار مخصوصاً در مجلس شورای عالی خواهد شد.

مدیر کل وزارت بهداری

آقای دکتر ابوالقاسم کیاپوری به بریت کل وزارت عمومی وزارت بهداری انتخاب شده اند.

مردم - آقای دکتر کیاپوری همزیکن دانشمند کشور میباشدند و ما از آن جناب انتخاب آقای وزیر بهداری خوشوقت هستیم.

محاکمه کارگران بهشهر

امروز ساعت سه و نیم قبل از ظهر در سالن دیوان جنسی واقع در محلات سابق وزارت امور خارجه در آنجا که ۲۳ هزار کارگر منجمه صاحب وقایع در بهشهر حمل خواهد آمد.

معاون بهداری

آقای داد معاون بهداری بر حسب تقاضای لابی خودشان باز نشسته و هنوز جانشین برایشان تعیین نگردیده است.

ملاقات با آقای نخست وزیر در روزهای ظهر آهه آقای وزیر مختار انگلیس در کاخ ایس با آقای نخست وزیر ملاقات کردند.

اوت در اثر دوچرخه سواری

حسن ۲۴ ساله در روز دوچرخه سواری خیابان وازیر تکیس در سه کلوچه چرخ سواری آن بوده زمین خورد و فوراً فوت می کند.

انتصاب

آقای ابراهیم غازی معاون اداره شهرداری های وزارت کشور گدگت اداره با بهره انتخاب شده.

آقای احمد علی شی آدم شهر دار کرمان جای آقای غازی به سمت اداره شهرداری ها منصوب شده.

آقای اسرافت سیف پور دامغانی شهر دار شیراز است فرمانداری شیراز تعیین گردیده.

تخریب بخورستان

آقای فرخ زبیر آتکورد امرو زساعت ۶ با تعداد بزرگ از سربازان امریکایی و حمل گدگت صحت خواستار حرکت کردند اداره کل ساختمان

بطوری که از وزارت دارایی اطلاع

میدانند از جنسی پیش اداره مسئول ساختمان ضمیمه وزارت پسته و هنر شده و از ۱۵ تیر ماه امور مربوط بداروه نامبرده همه آن وزارتخانه میباشد.

روان وزیر مختار انگلیس سرویدو و لیم ولارد وزیر مختار اعلیحضرت پادشاه انگلستان در تهران که برای استناد از مرخصی بلند مدت رفته بودند در روز ساعت شازده با هوا پیاورد تهران شده و امور سفارت را در دست گرفته.

انتخاب

آقای عباس دولت شامی از طرف وزارت امور خارجه به سمت کارمند اداره دوم سیلی انتصاب شدند.

تقریباً به لیسان

آقای زان کار خوشحوسکی وزیر



نخستین جلسه نیروهای امریکایی که در ارتش پیاده شده اند

عدل مظفر

قبه از صفا اول

دادگستری فردی از افراد است این آزادی شجه هم سنگی و از جان گدگتکی هده روشن نگر و سایر است آنها عدالت را برور و جو بر آتش اسامه و غوث کلام و فخریت قلم اعد کرده - دو کلمه عدل مظفر برای ما عدالت مظفر الهی شده و این دو کلمه مجزا از معنی واقعی خود و زنی است که جنش بزرگ و عظیمی آزاد بخواند ایران را پیک می آورد با بیدار شدن این دو کلمه از کسای مانده است آبدی و منکم خان و آقا خان حکمرانی و صدور اسرافیل و سید عدل الدن و اعظم و منکالتنکسین و نظار ایشان پاد آوری کرد و آثارا سرمشق نویسی برای ارتقاء بر نهی و الواری در مراتب اسباب و شریعت قرار داد.

و نیز صاحب معدن این کسه با دیگر امری است برای کتابیکه مورد می کند با اینکه زور فخرتسبیل کامل اندامی را مانع شوند - هماغذره که بالاخره روزی مش ازین اسباب مانده گسار از زور کچهای عدالت شامی اسفهان خارج کرده و متوجه شامراکان قاپاری بر سر انجام مانده هماغذره شود پسند میسازان دیگری که سر در پامال ساسن سن ملی داشته بجای رسیده.

امید است معذما ملت بیشتر و بهتر آزاد آزاد بخواند خود را در محلات دارالشواری حاره گرد کند.

مختار دولت اهلستان در تهران مأمور بیروت شده و بیست لیسان حرصکت نودند.

انتصاب

آقای علی اکبر حروی که دارای تحصیلات عالی در کشاورزی بوده و صاحب نایزات منصفه دمامور فلاشی میباشد براست اداره آموزش وزارت کشاورزی برقرار گردیدند.

اگران رضاییه

بفران اطلاع حاصله از طرف استناداری رضاییه مجلسی مرکب از عده از افسران و رؤسای اکران با حضور آقای نسول شوروی حمل آمده و در نتیجه صیحت شعس امیر باکراد که توسطه حظه آفرامش پهلوان ایران میشود که استناد امر او دهستانهای رضاییه را ترک نمایند.

اخبار ولایات

در شهرضا قمشهر فون الشاهه گران و بیرون پندی شده است و آرد نیز به ناخواه مانده نشود - فو نیز برای جمع آوری امانه جهت اشخاص بی صفاقت اقدام شده است در شهر سواری بهداری مشغول توزیع فرس کین بین اصناف اداره ما میباشد.

وضع هنگی اسکاس و پشواه آن در ۱۸ تیر ماه ۱۳۲۱

۱ - اسکاسیکه هفت ظنارت اموزغه اسکاس بانک ملی ایران تحویل داده است	در دست مردم	۲۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۲ - اسکاسیکه هفت ظنارت اموزغه اسکاس بانک ملی ایران تحویل شده و عرض آن گرفته شده است	در دست بانک	۲۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۳ - اسکاسیکه هفت ظنارت اموزغه اسکاس بانک ملی ایران تحویل شده و عرض آن گرفته شده است	در دست مردم	۲۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۴ - اسکاسیکه هفت ظنارت اموزغه اسکاس بانک ملی ایران تحویل شده و عرض آن گرفته شده است	در دست مردم	۲۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال

آنگهی

روزهای حرکت به تهران - زنجان - تبریز

اداره حمل و نقل پستی و هواپیمایی ولایت پست و تلگراف و تلخت با اطلاع نامه میرساند از روز دوشنبه ۲۲ و ۲۱ شهریور ماه جاری خورشیدی و نیز از سه مرتبه مرتباً روزهای دوشنبه - چهارشنبه - جمعه ساعت (۸) صبح بوسیله راه آهن زنجان و از زنجان بوسیله کابون شیراز حمل میشود.

ش- ۲۴۲ رئیس اداره حمل و نقل پستی و هواپیمایی - حسن خلوی

چهارمین دوره مسابقه های قهرمانی

جرمان اعلیحضرت هابون شاهنشاهی چهارمین دوره مسابقه های قهرمانی کشور زیر نظر اجن ملی تربیت بدنی و پشاهنگی ایرات شروع خواهد شد ملائمتان برای نام نویسی و کسب اطلاعات بیشتری بهیرحانه اجن واقع در خیابان شاهرضا رجوع نمایند.

آنچه مسلم است

فرآورده های تقنی ایران همواره خوب و مرغوب بوده و مصرف کنندگان با مراجعه شعبان نفت انگلیس و ایران در تهران و شهرستانها نیاز خود را مرتفع می سازند و دائرتهدنی شرکت در مرکز پیوسته برای همه گونه راهتنامی از نیازمندان پذیرائی مینمایند.

ش- ۱۳۹

چاپخانه علمی

آنگهی

مختر سانه دوم قانون جامع جلوگیری از اختکار مصوب ۲۷ اردیبهشت ۱۳۲۰ کلاهای مورد احتیاج ضروری عامه را بدین وسیله با کسب عموم میرساند - حسباً مقررات مواد یکم و دوم قانون نامبرده بن معذما اندر دانه می شود.

ماده اول - هر کس کلاهای مورد احتیاج ضروری عامه را حسته زیناد از مصرف خود داشته باشد و برای جلوگیری از فروش دولت با مردم پنهان نماید معسکر محسوب شده و برای دمه اول علاوه بر ضبط عین کلا حسب تأدیس از سمانه نشاندنه و کسب غنای معادل تکثیر از قیمت کلائی مزور معسکرم میشود و در صورت تکثیر برای دمه دوم مرتبک علاوه بر ضبط عین کلا حسب تأدیس از سمانه تکثیر و تأدیه کسب غنای معادل دو برابر قیمت کلا در صورت معسکرم میگردد.

ماده دوم - خرید کلاهای مورد احتیاج عموم که مطابق ماده دوم آنگهی می شود بطور اجرت از طرف اشخاص که در آن اجرت است منحصراً است منصف علاوه بر ضبط عین آن تکثیر غنای معادل دو برابر قیمت عین خریداری شده معسکرم میگردد و در صورت تکثیر از علاوه بر ضبط عین آن حسب تأدیس از سمانه تکثیر و کسب غنای معادل ۵ برابر عین خریداری شده معسکرم میگردد.

کلاهای مورد احتیاج ضروری عامه

- ۱ - تفنگ
- الف - کبک - آر و مشتقات آن
- ب - انواع تفنگ
- ج - جوی - آر و مشتقات آن
- د - شاتلوت - راج - خورده راج و مشتقات آن
- ه - بارت و آر و فرت
- و - آر و فرت
- ز - کابریجه
- ح - جویات
- الف - توپا - انواع و تفنگ آن
- ب - تفنگ
- ج - انواع بخود بخود و آر و آنها
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۳ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۴ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۵ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۶ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۷ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۸ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۹ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۰ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۱ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۲ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۳ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۴ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۵ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۶ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۷ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۸ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۱۹ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۰ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۱ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۲ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۳ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۴ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۵ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۶ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۷ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۸ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۲۹ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ
- ۳۰ - تفنگ
- الف - انواع سبب زمینی - آر و مشتقات آن
- ب - تفنگ
- ج - تفنگ
- د - تفنگ
- ه - تفنگ
- و - تفنگ
- ز - تفنگ
- ح - تفنگ